



برافراشته باد پرچم اول ماه مه،

روز هم بستگی بین المللی کارگران !

اول ماه مه، روز جهانی کارگر، سمبل اتحاد، همبستگی و نبرد کارگران علیه نظام سرمایه‌داری است. اول ماه مه و همبستگی نهفته در آن، بشارت دهنده جهانی دیگر است: جهانی عاری از استثمار، فقر، جنگ، طبقات؛ جهانی سرشار از آزادی و برابری، که از تبار انسان در پیوند با طبیعت پاسداری می‌کند.

سرمایه‌داری در شرایط کنونی، بحرانی ساختاری را از سر می‌گذراند که پس از گذشت نه سال، راهی به جز تشدید اقدام‌های نئولیبرالی برای برون رفت از آن نمی‌یابد؛ یعنی توسل به همان طرح‌ها و سیاست‌هایی که سرمایه‌داری را به گرداب همین بحران کشانده است. البته اجرای این سیاست‌ها برای طبقه کارگر و حقوق‌بگیران جز تیره تر شدن وضعیت اشتغال، کاهش امنیت شغلی، سیر نزولی دستمزدها، افزایش رقابت در بازار کار و کاهش قدرت چانه‌زنی ارمغانی نداشته است. در شرایطی که اکثریت مردم جهان از طریق کارمزدی به حیات خود ادامه می‌دهند، سرمایه با بهره برداری از ابعاد خیره کننده ارتش ذخیره بیکاران در مقیاس جهانی، فشار برای درهم شکستن همبستگی طبقاتی کارگران را به شکل‌های گوناگون افزایش می‌دهد. اما با توجه به تنگناها و محدودیت‌های تاریخی نظام سرمایه‌داری، زمینه بالقوه مساعدی نیز برای گسترش جنبش کارگری و تکوین پیکارهای طبقاتی ضد سرمایه‌داری فراهم شده است. شرکت بیش از سیصد هزار تن از کارکنان بخش دولتی و خصوصی، بازنشستگان، بیکاران و جوانان در هشتاد و شش تجمع و تظاهرات در سراسر فرانسه علیه سیاست‌های ریاضت اقتصادی؛ تظاهرات ده‌ها هزار نفر در لندن علیه برنامه ریاضت اقتصادی دولت بریتانیا به فراخوان اتحادیه‌های کارگری و فوروم سراسری مرکب از فعالان کارگری و اجتماعی؛ تظاهرات ده‌ها هزار تن از اعضای اتحادیه‌های کارگری در بریتانیا در اعتراض به عدم افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم در خیابان‌های لندن، گلاسکو و بلفاست؛ اعتصاب حدود هفتاد هزار کارگر صنایع مختلف به ویژه خودروسازی در آلمان برای افزایش دستمزد؛ اعتصاب کارگران بیست و دو کارخانه صنایع فلز در ترکیه برای افزایش دستمزد؛ اعتصاب بزرگ کارگران شرکت نفت "بریتیش پترولیوم" در دو پالایشگاه "وایتینگ" در ایندیانا و "تلودو" در اوهایو آمریکا بر سر تعلیق یک هفته‌ای تمدید قرارداد جدید کار، و همراهی کارگران ۹ نیروگاه در آمریکا با راهپیمایی اعتراضی کارگران شرکت نفت "بریتیش پترولیوم"؛ اعتصاب یک روزه کارگران شبکه‌های حمل و نقل عمومی، بنادر و بانک‌ها در آرژانتین در اعتراض به تغییر نرخ مالیات بردرآمد... تنها نمونه‌هایی از پیکار کارگران علیه نظام ستمگرانه حاکم در یک سال گذشته‌اند.

در ایران نیز در سالی که گذشت، همچنان شاهد تداوم و تشدید تهاجم جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران به حقوق کارگران و عموم زحمتکشان، در حوزه معیشت، کار، آزادی و امنیت شغلی و حق تشکل مستقل آن‌ها بوده‌ایم. رژیم با تصویب و اجرای سیاست‌ها و لوایح ارتجاعی خود، از یک سو، بی‌حقوقی سیاسی و اجتماعی، خفقان، فقر و

فلاکت و بیکاری برای کارگران؛ و از دیگر سو، سوددهی هرچه بیشتر برای سرمایه‌داران نوکیسه را به ارمغان آورده است.

قراردادهای موقت که به اعتراف مقامات حکومتی بیش از ۹۰ درصد از قراردادهای کار را تشکیل می‌دهند، و در شکل‌های گوناگونی نظیر سفید امضا، روزمزد، شفاهی، پیمانی، قطعه کاری و... اعمال می‌شوند، ناامنی شغلی کارگران را به شدت دامن زده، سبب تضعیف توان چانه زنی جمعی آن‌ها می‌شود. خروج کارگاه‌های زیر ده نفر از شمول قانون کار باعث محروم ماندن بخش بزرگی از طبقه کارگر، حتی از همان چتر حمایتی سر و دم بریده قانون کار می‌شود. افزایش تعداد و دامنه فعالیت شرکت‌های پیمان‌کاری، که پیوند مستحکمی با کانون‌های قدرت دارند، استخدام نیروی کار برای شرکت‌های دولتی و خصوصی را آشکارا به نفع کارفرمایان و به ضرر کارگران سازمان می‌دهند. اجرای طرح تعدیل نیروی انسانی شاغل در بخش دولتی و اصلاح ساختاری مشاغل دولتی نیز موجی از بیکارسازی را در سال گذشته به بار آورده است. به علاوه در سال ۹۳ فاز جدیدی از "اصلاح" قانون کار باز هم در دستور کار صاحبان سرمایه و دست اندرکاران رژیم اسلامی قرار گرفت. جمهوری اسلامی در قالب "لایحه‌ی رفع موانع تولید و خروج از رکود"، برنامه تغییر قانون کار و قوانین تامین اجتماعی را تدارک دیده است. مواد ۱۶ و ۱۷ این لایحه و تبصره‌های الحاقی آن به طور مشخص مربوط به اصلاح قانون کار و بیمه تامین اجتماعی کارگران است. در اصلاحیه ماده ۲۷ قانون کار حق اخراج کارگر تماماً به دست کارفرما سپرده شده است. به موجب اصلاحیه مذکور همه موانعی که به نحوی از انحاء بر سر راه اخراج کارگران وجود داشته‌اند، رفع شده و دست کارفرما عملاً برای اخراج آن‌ها باز گذاشته شده است. این مساله به نوعی نیز در اصلاحیه ماده ۱۶۵ به چشم می‌خورد، که به موجب آن "شوراهای" حل اختلاف ادارات کار نقش و اهمیت خود را در زمینه حل اختلاف میان کارگر و کارفرما از دست می‌دهند.

موقعیت زنان کارگر از این هم بمراتب بدتر است، اکثر آن‌ها در کارگاه‌های کوچک مشغول به کارند؛ در این زمینه آمار و ارقام روشنی در دسترس نیست، زیرا کارگاه‌های کوچک نه مشمول قانون کاراند، و نه قوانین بیمه‌های اجتماعی و درمانی. بخشی از نیروی کار زنان در شمار کارگران فصلی اند، مثلاً در کوره‌پزخانه‌ها به طور خانوادگی و یا در بخش کشاورزی به ویژه کشت برنج در شمال ایران کار می‌کنند. در شهرستان‌ها، دختران تحصیل کرده با دست‌مزدهایی بسیار پایین در مشاغل خدماتی نظیر منشی‌گری مشغول به کار هستند و کارفرماها بیش‌ترین بهره را از این نیروی کار ارزان می‌برند. بر اساس تحقیقات انجام شده، نرخ بیکاری در میان زنان در سال گذشته بسیار افزایش یافته، و بیش از نیمی از کارگران زن در بخش‌های غیررسمی اقتصاد کار می‌کنند که به دلیل وضعیت فلاکت بار اقتصادی، تورم، و بیکاری گسترده در کنار اجرای قوانین ضد زن، اغلب آن‌ها با دست‌مزدهای ناچیز و بدون قرارداد، بدون بیمه و امنیت شغلی و در محیطی آکنده از تبعیض و نابرابری مشغول به کار هستند. با محدود شدن بیش از پیش نقش و جایگاه زنان در بازار کار رسمی، اشتغال زنان در بخش‌های غیررسمی اقتصاد رشد بیش‌تری پیدا کرده و سبب استثمار زنان کارگر و زحمتکش با دست‌مزد کم‌تر و ناچیزتر شده است. خشونت‌های کلامی، جنسی، تحقیر و توهین، نسبت دادن هر نوع کوتاهی در کار به جنسیت فرد، و تبعیض جنسیتی از جمله خشونت‌های جاری در محیط کار به شمار می‌روند.

جنبش کارگری ایران در سال گذشته فعال‌ترین جنبش اجتماعی کشور ما بود. علیرغم موقعیت تدافعی جنبش کارگری به طور کلی، با گسترش اعتراض‌ها و اعتصاب‌های کارگری در سال ۹۳ مواجه بوده ایم که نسبت به سال قبل از حیث کمیت، یعنی تعداد اعتراض‌ها و تعداد شرکت‌کنندگان در آن رشد چشم‌گیری داشته است. ما در سال گذشته در بخش‌های مختلف کارگری، از جمله صنایع فولاد، خودروسازی، پتروشیمی، کشت و صنعت، معادن، حمل و نقل، برق، آموزش، بهداشت، پوشاک، بازنشستگان ... با اعتراض‌ها و اعتصاب‌های کارگری در شکل‌های متنوع روبرو بوده‌ایم. کارگران در سال ۹۳ با برپایی اعتصاب، تجمع در مقابل نهادهای حکومتی و مجلس، اجتماع در محوطه کارخانه، راه‌پیمایی در بیرون از کارخانه، تحریم جمعی غذای کارخانه، جمع آوری طومارهای جمعی، ارسال بیش از ۲۳۷ هزار شکایت علیه کارفرما و دولت به هیاتهای حل اختلاف و ... خواهان رسیدگی به خواسته‌های خود بوده-

اند. اعتصابات سراسری اسفند ماه و فروردین معلمان که به دنبال جمع آوری طومارها و تجمعات مختلف و تلاشهای تشکل صنفی معلمان صورت گرفت، نشانه های امیدبخشی است که میتواند جنبش اجتماعی کارگران و مزدبگیران ایران را در ابعادی تازه بمیدان آورد. گزارشات انتشار یافته در رسانه های مختلف تا اواخر سال ۹۳، بیش از ۳۶۵ حرکت اعتراضی را در واحدهای تولیدی و خدماتی گزارش کرده اند، که با توجه به رسانهای نشدن برخی از اعتراضها و اعتصابات، تعداد آنها میبایست بسیار بیش از این رقم باشد.

از جمله این حرکتها می توان به اعتصابهای کارگران پتروشیمی، دو اعتصاب بزرگ ۳۹ روزه و ۱۶ روزه پنج هزار کارگر معدن سنگ آهن بافق، اعتصابهای کارگران کشت و صنعت هفت تپه و کارون، ایران خودرو، کارگران معادن چادرملو، خاتون آباد، سنگرود کوشک، اعتراضهای مکرر کارگران نورد لوله صفا، لوله سازی اهواز، اعتصاب کارگران ذوب آهن اردبیل، اعتصابهای مکرر کارگران واگن پارس اراک، برق تکاب نیرو، تجمع کارگران برق منطقه-ای در مقابل مجلس، اعتصاب و راهپیمایی کارگران ایران تایر، اعتراضهای کارگران خاور، زامیاد، سایپا ... و بویژه به چند اعتصاب و حرکت اعتراضی سراسری پرستاران و معلمان اشاره کرد و لیست بلندی از آنها تهیه کرد.

گرچه در سال گذشته، بخش غالب حرکتها و اعتراضها برای پرداخت دستمزدهای عقب افتاده بوده، اما مبارزه برای افزایش دستمزد نیز تا حدی گسترش پیدا کرد. در عین حال شاهد حضور خانواده های کارگران در برخی از تجمعها و اعتراضهای کارگری بوده ایم. خواست و حرکت در جهت ایجاد تشکل مستقل و سازمانیابی سراسری کارگری، که از سوی جمعی از فعالان جنبش کارگری در ایران مطرح شد، بحثها و بازتابهای گسترده ای را میان فعالان چپ و کارگری برانگیخت که بیش از هر چیز پاسخی بود به یک ضرورت حیاتی و مبرم در جنبش کارگری ایران.

جمهوری اسلامی که از گسترش مبارزات کارگری و جنبش مستقل آنها به شدت هراسناک است، با اتکا به نیروی سرکوب، دستگیری و محکومیت فعالان کارگری، صدور حکم زندان و شلاق برای کارگران اعتصابی، محاکمه مجدد کارگران زندانی و زندانیان سیاسی به مبارزات رو به گسترش کارگران در دفاع از معیشت انسانی و حق سازمانیابی مستقل سراسری در دل یک تناسب قوای به شدت نامناسب پاسخ داده است.

اما چه باید کرد؟ تردیدی نیست که تنها با مبارزه های متشکل و سازمان یافته می توان رژیم را به عقب راند. مبارزات قهرمانانه اما پراکنده کارگران، بر این حقیقت روشنی افکنده است که با وجود آن که کارگران این جا یا آن جا دست-آوردهایی را به چنگ آورده اند، اما فاصله زیادی میان حرکات و اعتراضهای کارگری، و پاسخ به ضرورت سازمانیابی مستقل کارگری در مقیاس بزرگ وجود دارد. از اینرو ابتکار جمعی از فعالان کارگری در راستای ایجاد تشکل سراسری خود نشان دهنده و برآمده از این نیاز سوزان جنبش است که باید در دورآتی با تمرکز بر "راههای سازمان-یابی از طریق "همکاری همه گردانهای جنبش کارگری" پاسخ شایسته خود را دریافت کند. بهره گیری از تجربیات مبارزه معلمان در سازمانیابی می تواند به عنوان یکی از راههای تحقق این هدف در دستور کار فعالان جنبش کارگری قرار گیرد.

سرتگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

کمیته مرکزی سازمان راه کارگر

www.rahekaregar.com

اردیبهشت ۱۳۹۴ - May 2915